

دارد. تجربه PGCC نشان‌دهنده این است که حتی اگر قدرت‌های بزرگ هم پشت نهادهای تأسیس شده قرار بگیرند، اگر منافع همه‌ی کشورهای منطقه در آن‌ها لحاظ نشده باشد، این نهادها موفق نخواهند شد. در سال‌های اخیر شاهد این بودیم که علی‌رغم حمایت ایالات متحده از PGCC، در دل این شورا، بحران قطر رخ داد که موجب افول جایگاه شورا شد؛ یا این‌که کشور ایران با جمعیت قابل توجه و موقعیتی که به‌تنهایی دربرگیرنده کل سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان است و به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه، در این شورا کاملاً نادیده گرفته شده است. واضح است که چنین روندهایی به صلح و توسعه در خلیج فارس منجر نخواهد شد. براین اساس باید گفت که همکاری دو بازیگر بزرگ منطقه (ایران و عربستان) با مشارکت شش کشور دیگر ضروری است. با توجه به این‌که کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس در سال‌های اخیر باهدف توسعه صنعتی، علمی، تکنولوژیکی، تقویت بخش خصوصی و کاهش تکیه خود بر درآمدهای نفتی، به اصلاحات اقتصادی دست زده‌اند، زمینه برای توجه بیشتر به همکاری و همگرایی اقتصادی در منطقه، بیشتر فراهم شده است. هرچه سهم بخش غیرنفتی در اقتصاد این کشورها افزایش پیدا کند، امید به همگرایی اقتصادی بیشتر خواهد شد. مشارکت ایران و کشورهای عربی منطقه در روند همکاری‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری و در پیش گرفتن سیاست‌های تجاری ترجیحی، موجب تقویت امید به همگرایی اقتصادی در منطقه خواهد شد. در این زمینه رهبران سیاسی کشورهای منطقه باید ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و رویکرد اقتصادی را بر رویکردهای امنیتی و ایدئولوژیکی اولویت دهند؛ و بر پایه‌ی نیازهای مردم و منافع ملی کشورهای منطقه و تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ایجاد چارچوبی برای همکاری منطقه‌ای در همه‌ی موضوعات مشترک پردازند. در نهایت باید گفت که همگرایی اقتصادی منطقه‌ای پیش شرط توسعه‌ی اقتصادی کشورهای منطقه و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی است.